

موضع دانشجویان سوسیالیست دانشگاه آزاد تبریز در قبال حق خلق‌ها در تعیین سرنوشت خویش

کسی که حق خلق‌ها در تعیین سرنوشت خویش را انکار کند نه تنها یک سوسیالیست نیست، بلکه یک دموکرات نیز نمی‌تواند باشد. اکنون در آذربایجان فعالین «حرکت ملی آذربایجان» با روش‌های گوناگون خود را پیش‌رو در راه کسب این حق می‌دانند. این سوال مطرح می‌شود که آیا خواست چنین حقی از جانب فعالین حرکت ملی مشروع است؟ کسی که خود را پیگیر حق و حقوق ملی خلق‌های تحت ستم می‌داند، حق ندارد و نمی‌تواند ستم بر یک خلق را انکار نماید! زیرا در این صورت او نه برای رهایی ملی خلق‌ها، که برای کسب سلطه بر سایر خلق‌ها تلاش می‌کند. کسانی که خود را مخالف ستم ملی می‌دانند در آنادولی حامی سرسخت دولت ترکیه هستند، دولتی که نه تنها حقوق ملی ۲۰ میلیون کرد ساکن آنادولی بلکه وجود ۲۰ میلیون انسان را انکار می‌کند و هر روزه از تمامی تریبون‌های رسمی و غیر رسمی فاشیستی‌ترین مواضع تحقیرآمیز علیه خلق کرد را اتخاذ می‌کند. هرگونه اعتراض مدنی و بر حق مبارزان حقوق ملی را به نظامی‌ترین شکل ممکن پاسخ می‌دهد. فعالین حرکت ملی نه تنها به مواضع فاشیستی دولت ترکیه اعتراض نمی‌کنند بلکه مبارزان رهایی ملی خلق کرد را تروریست می‌نامند. زیرا ملی‌گرایی این‌ها بر اساس زبان «تورکی» است و استخوان‌های پوسیده ی جنایت‌کارانی مانند «چنگیزخان» و...

کسی که خود را موظف به افشای جنایت علیه مردم آذری قاراباغ می‌داند، انکار نسل‌کشی میلیون‌ها ارمنی در شرق ترکیه را در آغاز قرن بیستم از اصول پایه‌ای خود می‌داند. هر گونه اقدام دموکراتیک جهت افشای این جنایت تاریخی را با ترور پاسخ می‌دهد. به یاد داشته باشیم ترور هرانت دینک، روزنامه‌نگار ارمنی تبار ترکیه در سال پیش را به خاطر تلاش برای مطرح کردن نسل‌کشی ارمنی توسط پان‌ترک‌ها. این چنین اشخاصی نه تنها نمی‌توانند مدافع مردم مظلوم قاراباغ باشند، بلکه خود در این جنایات شریکند. زیرا در دوران حکومت «ابولفضل ائل‌چی‌بی» (از پان‌ترک‌های معاصر و پدر معنوی حرکت ملی آذربایجان) در سال ۱۹۸۸ در کشتار ارمنی شهر «سومقاییت» نقش اصلی را داشتند و آتش جنگ قاراباغ را برافروختند و بعدها با تحریک احساسات ناسیونالیستی مردم هیزم به آتش جنگ خانمان‌سوز قاراباغ ریختند. اعتراض به ستم ملی بر خلق آذربایجان از سوی پان‌ترک‌ها و فعالین حرکت ملی آذربایجان نه از سر مخالفت با اصل سلطه و ستم است که به خاطر این

است که چرا «ناسیونالیست‌ها تورک» ما بر خلق‌ها سوار نیستند! تنها با نفی سلطه است که می‌توان با سلطه بر خلق‌های تحت ستم مخالف بود. از سوی دیگر شاهد رشد جریانی انحرافی در جنبش چپ هستیم که اعتراض علیه ستم ملی را ناسیونالیسم می‌نامد و انحراف از مسیر جنبش ضد سرمایه‌داری!، باید پرسید چگونه است که این جنبش که خود را سوسیالیست می‌نامد هیچ‌گاه علیه امپریالیسم موضع محکمی اتخاذ نمی‌کند؟ چگونه است که این جنبش تنها به اعتراض علیه ستم طبقاتی مهر تایید می‌زند و اعتراض به ستم علیه زن، ستم علیه خلق‌ها و درحالت کلی ستم علیه اقلیت‌ها را مجاز نمی‌شمارد؟

ما معتقدیم سوسیالیسم هر نوع ستم، استثمار و سلطه‌ای را نفی می‌کند و مبارزه با همه ی این‌ها را در گرو مبارزه با تکتک این ستم‌ها می‌داند، زیرا نمی‌توان ستم ملی را از ستم طبقاتی و ستم طبقاتی را از ستم بر زن به طور کلی جدا کرد و همچنین نمی‌توان همه ی این ستم‌ها را یک کل فرض کرد زیرا هر ستم ویژگی‌های خاص خود را دارد در عین این‌که تمامی این ستم‌ها ویژگی‌های عمومی دارند.

نتیجه این که مبارزه علیه ستم ملی در گرو مبارزه با سلطه ی طبقاتی و برای سوسیالیسم است و مبارزه برای سوسیالیسم بدون مبارزه با ستم ملی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

دانشجویان سوسیالیست دانشگاه آزاد تبریز

<http://azadetabriz.blogfa.com>